

## «امین زکی بگ» و تجربه‌ی تجدد

خالد توکلی

چکیده:

تجربه‌ی تجدد، تجربه‌ای است که در کوردستان به شکلی جدی و عمیق مورد مطالعه قرار نگرفته است. مطالعه‌ی تجربه‌ی رویارویی جامعه‌ی سرایا سنتی کوردستان با پدیده‌ها و مظاهر و ایده‌های مدرن از جمله چیزهایی است که می‌تواند نحوه‌ی رویارویی و واکنش این جامعه را با جهان مدرن نشان دهد. این مقاله در پی آن است که با خوانش افکار و آثار "امین زکی بگ" به عنوان یک فرد صاحب منصب در امپراطوری عثمانی و حکومت عراق، که به سمت‌های عالی حکومتی دست یافته است، و هم به عنوان یک اندیشمند متجدد، چگونگی تجربه‌ی مدرنیته از نگاه وی و بینش او نسبت به جامعه‌ی مدرن و نیز جامعه‌ی غیر مدرن کوردستان را نشان دهد. امین زکی بگ در این راستا پروژه‌های تجددطلبانه و اصلاح‌طلبانه‌ی خاصی از قبیل گسترش آموزش، بهداشت، پرورش نخبگان، تاریخ نویسی و... را در نظر داشت و در پی طرح و اجرای آن بوده است. این مقاله به تفصیل جایگاه وی در ورود افکار مدرن و مدرنیزاسیون به کوردستان را بررسی می‌کند.

1

واژگان کلیدی: تجدد، مهندسی اجتماعی، نوسازی، کوردستان.

### مقدمه

ظهور و گسترش تمدن غرب یا به عبارت دیگر تجدد و چگونگی رویارویی با دستاوردهای مثبت و منفی یا مادی و معنوی آن یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های روشنفکران و نخبگان جوامع مختلف در دو قرن اخیر بوده و آنها را با پرسش‌های زیادی مواجه ساخته است. بسیاری از این پرسش‌ها و دغدغه‌ها همچنان در حوزه‌ی عمومی مطرح هستند و با گسترش وسایل ارتباط جمعی حتی اذهان مردم عادی را نیز درگیر خود کرده است. این وضعیت به گونه‌ای رقم خورده است که تأثیر تجدد و تمدن غرب به شکل‌گیری پرسش صرف و در نتیجه ایجاد تشویش و تغییر در ذهنیت‌ها محدود نمی‌ماند، بلکه وضعیت عینی را نیز به شکل گسترده‌ای دگرگون می‌سازد.

یکی از مهم‌ترین اثرات و پیامدهای گسترش تجدد و تمدن غرب برای اغلب جوامع غیر غربی، ظهور «دیگری» قدرتمند و ستیزه‌گر در مقابل آنها بود که با ورود به جوامع مختلف، ذهنیت‌ها را مشوش می‌ساخت، ارزش‌ها و هنجارهای نوینی را ترویج می‌کرد، روایت دیگری از هویت ارائه می‌داد، مرزهای

جغرافیایی را در می‌نوردید و خطوط جدیدی را برای آنها ترسیم می‌کرد. این «دیگری» از یک سو مجهز به علم بود و روایت خاص خود را از جوامع غیر غربی ارائه و بلکه بر آنها تحمیل می‌کرد و از سوی دیگر با استفاده از تکنولوژی و تجهیزات نظامی، مرزبندی گذشته را متحول می‌ساخت.

شکست‌های متوالی ایران در جنگ با روس در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم و فروپاشی امپراطوری عثمانی در نیمه‌ی اول قرن بیستم موجب تردید در تقویت رابطه‌ی استوار این جوامع با گذشته و روایتی که از «خود» داشتند، شد. در این اوضاع و احوال، بسیاری از روشنفکران و نخبگان در صدد بازتعریف هویت «خود» و ترسیم نقشه‌ی راه برای آینده برآمدند. پرسش در مورد «کیستی» و برنامه‌ریزی برای «آینده» در صدر و در مرکز توجهات قرار گرفت و منجر به طرح نظریات گوناگون و حتی بروز انقلاب و جنبش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی گشت.

از آن جایی که تجدد و تمدن غرب و تحولات ناشی از آن بر جامعه‌ی «کوردی» نیز تأثیرگذار بود، لذا به طور طبیعی این پرسش‌ها در میان روشنفکران و نخبگان «کورد» نیز رواج یافت و تلاش‌های نظری و عملی در جهت پاسخ به آنها و در واکنش به وضعیت جدید صورت گرفت. بررسی تلاش‌های صورت گرفته را به دو گونه می‌توان انجام داد: اول این که جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی و سیاسی را بررسی کرد و دوم این که به بررسی موردی افراد و نگرش آنان اقدام کرد. در میان کوردها، «امین زکی - بگ» یکی از اولین کسانی است که در مورد وضعیت جدید به تأمل پرداخته، نسبت به تحلیل آن همت گماشته است و برای تعریف کیستی «کوردها» و برنامه‌ریزی برای آینده، تلاش‌هایی را صورت داده که در نوع خود جالب است. در این نوشتار نحوی مواجهه‌ی وی با تجدد و تمدن غرب مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

### شکل‌گیری اندیشه‌ی تجدد

قبل از هر چیز لازم است، به طور خلاصه معنا و مبنای تجدد توضیح داده شود. آنتونی گیدنز (۱۳۷۸) ویژگی‌های تجدد را عبارت از صنعت‌گرایی، سرمایه‌داری، ظهور دولت-ملت و پویایی و تحول ژرف و سریع زندگی اجتماعی می‌داند. جهان‌نگلو (۱۳۸۲) با انتقاد از کسانی که صرفاً بُعد ابزاری و مادی تجدد را برجسته می‌کنند، از دیدگاهی فلسفی بر این باور است که «مدرن بودن یعنی داشتن شیوه‌ای خاص از نگرش به جهان، انسان و جامعه‌ی انسانی» (جهان‌نگلو، بهنام، ۱۳۸۲: ۵) وی ویژگی‌های اساسی مدرنیته را اعتقاد راسخ به افسون‌زدایی جهان، خودمختاری فردی انسان و ساختار خودنهادیافته‌ی جامعه-ی انسانی می‌داند و به دو وجه آن یعنی عقل ابزاری که در قالب علم و تکنولوژی مطرح می‌شود و عقل انتقادی که شامل هنر و فلسفه‌ی مدرن است، اشاره می‌کند. «بهنام» (۱۳۷۵) بر این باور است که تجدد

عبارت از طرز جدیدی از تفکر و نگرش تازه به جهان است که امری درون‌زا تلقی می‌شود و از دینامیسم درونی جوامع و با آگاهی از پیشرفت علوم و ماهیت فرهنگ‌های دیگر حاصل می‌گردد.

مفهوم دیگری که ضرورت توضیح آن احساس می‌شود، مفهوم «مدرنیزاسیون»<sup>۱</sup> یا نوسازی است. تعاریف متعددی از این مفهوم وجود دارد. به نظر «پیتر ورسلی» نوسازی به تمام تغییراتی که از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی، امر صنعتی‌شدن را در بسیاری از ممالک دارای تمدن غربی همراهی کرده‌اند، اشاره دارد. از آن جمله: شهرنشینی، تغییرات ساختار اشتغال، جابجایی اجتماعی، توسعه، آموزش و پرورش و تغییرات سیاسی چون حذف نهادهای مطلق‌گرا و استبدادی و روی کار آمدن حکومت‌های مسئول و انتخابی و جایگزینی آن با یک دولت رفاه (ازکیا، ۱۳۸۴: ۵۷). با توجه به نظریات مختلفی که در زمینه‌ی نوسازی ارائه شده است، «سو» (۱۳۷۸) ویژگی‌های ذیل را از این نظریات استخراج کرده است:

۱. نوسازی یک فرایند مرحله به مرحله است؛
۲. نوسازی یک فرایند تجانس‌آفرین است؛
۳. نوسازی یک فرایند اروپایی‌شدن (یا آمریکایی‌شدن) است؛
۴. نوسازی یک فرایند غیر قابل بازگشت است؛
۵. نوسازی یک فرایند رو به پیشرفت است؛
۶. نوسازی یک فرایند طولانی است؛
۷. نوسازی یک فرایند درون‌زا است و
۸. نوسازی یک فرایند نظام‌یافته است.

به طور کلی «بهنام» معتقد است که مدرنیزاسیون در دو معنی به کار گرفته شده است: به معنای رویدادهای سیاسی، اجتماعی، علمی و فنی غرب که امکان پیشرفت صنعتی و قدرت سیاسی غرب را فراهم ساخته است و به معنای فرایند انتقال مدرنیته‌ی غربی به سرزمین‌های غیر غربی (جهانبگلو، بهنام: ۱۳). این مفهوم صرفاً در بُعد اقتصادی مورد بحث قرار نگرفته است، بلکه جنبه‌های مختلف روان-شناختی، اجتماعی و سیاسی آن نیز مورد توجه صاحب‌نظران بوده است.

با توجه به این که تجدد و تمدن غرب، حوزه‌ی فرهنگی و جغرافیایی وسیعی را تحت تأثیر خود قرار داده بود، به همان نسبت نیز واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت. این واکنش‌ها از نفی و طرد تا پذیرش کامل و بدون قید و شرط تمدن غربی را در بر می‌گرفت. غنی‌نژاد (۱۳۸۶) معتقد است که شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس، موجب جلب توجه مسئولان سیاسی و فکری به اهمیت تمدن

<sup>1</sup> - Modernization

غربی و قدرت اقتصادی و نظامی آن شد و آنان را ناگزیر ساخت تا باب گفت‌وگو و مراددهی علمی و فکری میان ایران و غرب را بکشایند. وی بر این باور است که در ایران به جای توجه به بنیادهای فکری، اندیشه‌ها و ارزشهای دنیای جدید، بر توجه به معلول‌های آن تأکید شده است و این یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی است که مانع درک درست نسبت به غرب شده است. غنی‌نژاد نحوه‌ی مواجهه‌ی ایرانیان با غرب را به چهار گونه تقسیم کرده است:

۱. تجددخواهان اولیه که بر رعایت قانون و ترویج علم و دانش تأکید می‌ورزند و از مبانی فکری و ارزشی تمدن جدید غافلند.
۲. تجددطلبی اقتدارگرایانه به عنوان چاره‌ی عقب‌ماندگی که وحدت ملی را تنها راه پیشرفت و ترقی می‌داند و وحدت ملی نیز از طریق ترکیبی از ناسیونالیسم مدرن و سنتی میسر می‌گردد.
۳. تجددگرایی وارونه و رجعت به گذشته که با بیگانه‌ستیزی، رواج اندیشه‌های سوسیالیستی، احیای ارزشهای سنتی - قبیله‌ای و تلاش برای پیوند میان برخی از مفاهیم و ارزشهای تمدن غربی با ارزشهای سنتی همراه است.
۴. رواج ایدئولوژی توسعه و تقلیل امر توسعه به یک موضوع صرفاً علمی و فنی.

بهنام معتقد است که ماجرای تجدد در هر کشور داستان خاص و ویژه‌ی خود را ندارد و از یک حوزه‌ی فرهنگی شامل سه فضای ترک، عرب و ایرانی سخن به میان می‌آورد و استدلال می‌کند با توجه به این که کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و خاور نزدیک عناصر مختلفی چون تاریخ مشترک، دین، شرایط اقلیمی و شیوه‌ی زندگی اجتماعی مشابه دارند و تجدد در یک مجموعه‌ی کلی و در زمانی محدود و کوتاه در سراسر منطقه مطرح گشت، لذا ماجرای تجدد را نباید در هر یک از کشورهای منطقه، جداگانه مطالعه کرد (بهنام، ۱۳۷۵: ۱۱).

در این حوزه‌ی فرهنگی، راهکارهای تقریباً مشابهی برای نوسازی جامعه اتخاذ می‌گردد. برای مثال می‌توان به «محمد علی» اشاره کرد که حاکم مصر بوده است به اقتصاد جدید روی می‌آورد، مدارس عالی و ابتدایی برپا می‌سازد و برای اولین بار دانشجو به فرنگ اعزام می‌کند (همان: ۱۳) یا روشنفکران ترکی چون عبدالله جودت، صباح‌الدین آکچور، ضیاء گوکالپ و ... بر این باور بودند که ملت ترک با گذار از مدار تمدن شرقی به غربی شکوفا خواهد شد (همان: ۱۰۲). عباس میرزا نیز پس از شکست‌های نظامی ایران از روسیه راه اصلاح را در پیش گرفت و بدین منظور دستور ترجمه‌ی کتاب‌هایی چون «تاریخ پطر کبیر» تألیف ولتر و «عظمت و انحطاط امپراطوری روم» تألیف ادوارد گیبون را صادر کرد. همچنین «محتشم‌السلطنه» از دولت‌مردان دوره‌ی قاجار نیز، راه حل چهارگانه‌ای را برای «علاج بدبختی» ایرانیان ارائه می‌دهد: بازیابی هویت اسلامی، سازمان‌دهی تعلیم و تربیت عمومی، اعمال عدالت اجتماعی و توسعه‌ی اقتصاد ملی (قیصری، ۱۳۸۳: ۷۶). وی در قالب سازمان‌دهی تعلیم و تربیت، اعزام گروه

برگزیده‌ای از فارغ‌التحصیلان را به خارج توصیه می‌کند. اصلاح‌طلبان ناسیونالیست در ایران نیز اهدافی مشابه را پیگیری می‌کردند. ایشان بر لزوم تغییر، مخالفت با استبداد، رهایی از مداخله و نفوذ بیگانه، اصلاحات و پیشرفت، بازگشت به ریشه‌های کهن فرهنگی و تأسیس عدالت‌خانه تأکید می‌ورزیدند (همان: ۳۹-۳۱).

### تجربه‌ی تجدد در کوردستان

ایران از دو سو با نمودهای تجدد درگیر و مواجه می‌شود: از سوی روسیه که با بُعد تهاجمی و سخت‌افزاری تجدد روبه‌رو می‌شود و از طریق امپراطوری عثمانی که با جنبه‌ی نظری و فکری غرب آشنایی حاصل می‌گردد. در استانبول، بسیاری از روشنفکران ایرانی وحتى افرادی چون امیرکبیر مجالی برای تجربه‌ی باواسطه‌ی غرب پیدا می‌کنند، نظریات خود را منتشر می‌سازند و انجمن‌های فکری و اجتماعی را تأسیس می‌نمایند. عثمانی نیز در وضعیتی مشابه با ایران با هر دو وجه تجدد روبه‌رو می‌گردد. در سال ۱۸۷۷ مورد تهاجم روسیه قرار می‌گیرد. در حقیقت، برنامه‌های روشنفکران ترک، عرب و ایرانی دو رویه دارد: از یک سو نگران عظمت و شکوه از دست رفته هستند و در نتیجه به ناسیونالیسم روی می‌آورند و از سوی دیگر برای پیشرفت و ترقی چاره‌ای جز پذیرفتن تفوق تکنولوژیک و توسل به آن را ندارند. وضعیت کوردها اما تا اندازه‌ای متفاوت است. از آنجایی که کوردها دارای کشور مستقلی نبوده و لذا رویارویی آنها با چهره و رویه‌ی خشن و تهاجمی تمدن غرب و تجدد که در تهاجمات روسیه به ایران و عثمانی نمود می‌یافت، با واسطه بوده است. اگر چه شیخ عبیداله نه‌ری در این نبرد بر علیه قوای روسیه و با حمایت از ارتش عثمانی وارد جنگ می‌شود و آن را جهاد تلقی می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که کوردها به دلیل این که فاقد دولتی مستقل خود بوده‌اند به طور مستقیم، همچون ایران و عثمانی، با چهره‌ی خشن غرب مواجه نشده‌اند. در مقابل در برخی از موارد، دولت‌های عثمانی و ایران را تحت فشار می‌گذاشتند تا حقوق سیاسی و فرهنگی کوردها را به رسمیت بشناسند، حتی در قطعنامه‌ی «سور» به گونه‌ای عمل شده بود که زمینه‌ی استقلال کوردستان فراهم آید. این امر موجب شده است که در استراتژی سیاسی افرادی چون شیخ عبیداله، عبدالرزاق بدرخان، شیخ عبدالسلام بارزانی، شیخ محمود، سمکو و ... غرب جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و تلاش می‌کردند تا با این کشورها از در گفت و گو درآیند و با آنها روابط دیپلماتیک برقرار سازند. ناگفته نماند اغلب این تلاش‌ها، نتیجه‌ای به بار نمی‌آورند.

علاوه بر این، قبل از فروپاشی امپراطوری عثمانی، کوردها نقش بارز و عمده‌ای در حوزه‌ی فرهنگی خاورمیانه بازی نمی‌کنند، در نتیجه تلاش برای درک تجربه‌ی تجدد نیز چندان محسوس نیست و برنامه‌ی مشخصی برای رویارویی با آن وجود ندارد. اما پس از آن کوردها نیز به تدریج در پی قرائت

خاص خود از تجدد هستند و بسیاری از کوردهای مقیم استانبول تحت تأثیر فضای روشنفکری آنجا قرار می‌گیرند و با فروپاشی دولت عثمانی فصل جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی کوردها رقم می‌خورد.

«امین زکی‌بگ» (۱۹۴۸-۱۸۸۰) از جمله کسانی است که مدت مدیدی در استانبول زیسته است و در امپراطوری عثمانی و حکومت عراق به مقام‌های نظامی و سیاسی مهمی در حد فرماندهی، وزارت و نیابت مجلس سنا نیز دست پیدا کرده است. از نزدیک بسیاری از نمودهای تجدد را می‌بیند و درک می‌کند. در سال ۱۹۰۸ به عضویت انجمن تعیین حدود و مرزهای ترکیه و بلغارستان و ترکیه و روسیه در می‌آید و به مدت یکسال برای انجام برخی از مأموریت‌های نظامی به فرانسه اعزام می‌گردد. با زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، روسی و تا حدی فرانسه و آلمانی آشنا بوده است و از منابع علمی آنها بهره برده است. در استانبول، سلیمانیه و بغداد با بسیاری از نشریات و مجامع روشنفکری حشر و نشر داشته است. در واقع می‌توان گفت که وی وضعیت و شخصیت خاص و ویژه‌ای داشته است.

وی با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی و شخصیت منحصر به فردی که دارد، تلاش گسترده‌ای را برای اصلاحات، نوسازی و پیشرفت کوردستان آغاز می‌کند. پروژه‌ی تجددطلبانه و اصلاح‌گرانه‌ی امین زکی نیز مانند بسیاری از روشنفکران ایرانی، ترک و عرب، همزمان در دو مسیر دنبال می‌شود: از یک سو در پی ایجاد نوعی روحیه‌ی ناسیونالیستی است و از سوی دیگر به چگونگی بهره‌مندی از دستاوردهای مادی جهان متجدد یا به عبارت بهتر به نوسازی می‌اندیشد. بدین منظور، قبل از هر چیز و در مقام یک روشنفکر، با نوشتن تاریخ کورد و کوردستان، می‌کوشد تا فضای کوردی را به حوزه‌ی فرهنگی خاورمیانه که به نظر بهنام (۱۳۷۵) شامل فضای ترک، عرب و ایرانی است، اضافه کند.

برای رسیدن به این هدف، در وهله‌ی اول، برجسته‌سازی وجوه «تمایزبخش» هویت و فضای کورد را با هویت و فضای عرب، ترک و ایرانی در دستور کار خود قرار می‌دهد (تهوه‌کولی، ۲۰۰۹: ۳۲۹). در مقدمه‌ی کتاب «کورد و کوردستان» به این موضوع می‌پردازد و هدف خود را از نوشتن آن، این گونه بیان می‌کند: «پس از آن که به جای تعبیر عام «عثمانی» در ترکیه مفاهیم «ترک» و «تورانی» رواج یافت، طبیعتاً همچون آحاد ملل دیگر، من نیز در این میان به غیرت و عصبیت خود پی بردم و غرور قومی مرا بر آن داشت تا در هر فرصت ممکن حس [کورد بودن] خود را اظهار نمایم» (ثمین زه‌کی‌به-گ، ۱۳۵۰: ۱). اما از آن جایی که تاریخ مستقلی در مورد تاریخ کوردستان موجود نبوده است لذا نسبت به نوشتن کتاب تاریخ کوردستان اهتمام می‌ورزد. وی این کتاب را به زبان کوردی می‌نویسد تا تمایز «خود» را بیش از پیش با «دیگران» برجسته سازد و مبنایی برای شباهت میان خودی‌ها ایجاد نماید. نگارش کتاب مذکور به زبان کوردی، تحقیق در مورد مشاهیر کورد و نوشتن مقالاتی چند در مورد زبان کوردی را نیز باید در همین راستا مورد ارزیابی قرار داد.

در وهله‌ی دوم، امین زکی، مهندسی اجتماعی تدریجی و اصلاح مبتنی بر بهره‌مندی از دستاوردهای مادی غرب را آغاز می‌کند:

- وی بیش از هر حوزه‌ی دیگر به نوسازی در تعلیم و تربیت می‌اندیشد و پس از امنیت به آن اهمیت زیادی می‌دهد. این پروژه با مدرسه‌سازی شروع و با تلاش برای تربیت معلمین متخصص و تألیف کتاب‌های آموزشی و تخصصی به زبان کوردی ادامه می‌یابد.

در این راستا تلاش گسترده‌ای را انجام می‌دهد و با معلمین و روشنفکران بسیاری برای انجام این مهم، ارتباط برقرار می‌سازد و آنها را تشویق می‌کند تا کتاب‌های درسی را به زبان کوردی ترجمه نمایند.

- امین زکی سپس از اعزام دانشجوی کورد به اروپا سخن به میان می‌آورد و بر نقش و گسترش مدارس ابتدایی و بالاتر در فراهم آوردن مقدمات اعزام جوانان کورد به دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی تأکید می‌ورزد و نگران این مسئله است که می‌آید فقدان مدارس ابتدایی و سوادآموزی عمومی موجب محرومیت جوانان کورد از دسترسی به فرصت اعزام به دانشگاه-های خارجی گردد و از این جهت خسارات جبران‌ناپذیری بر روند پیشرفت جامعه، رفاه مردم و هویت کوردی وارد آید.

7

امین زکی بر این باور است که عدم گسترش مدارس در کوردستان موجب محرومیت جوانان کورد از آموزش عالی و عدم آشنایی آنان با علم نوین و روز می‌گردد. دریافت وی این است که برای نوسازی کوردستان، باید علم غربی را فراگرفت و برای رسیدن به چنین هدفی نسبت به اعزام دانشجو به خارج اهتمام گسترده‌ای را مبذول می‌دارد.

- نکته‌ی قابل توجه دیگری که در برنامه‌های اصلاحی امین زکی به چشم می‌خورد تمرکز وی بر شهر و تأکید بر زیبایی آن است. بدیهی است که شهرنشینی یکی از عوامل و نمودهای نوسازی و تجدید به شمار می‌آید.

برای نمونه وی در طول نمایندگی خویش از اقدام برای اختصاص بودجه به شهرداری، ساختن یک پارک، احداث خیابان، تأسیس و افتتاح اداراتی چون اوقاف، کار، آمار، دادگستری، بهداشت و ... در سلیمانیه و حلبچه سخن به میان می‌آورد که می‌تواند برای پیشرفت این شهرها، مفید فایده باشند.

- وی همچنین به زیرساخت‌ها و اهمیت آنها در پیشرفت جامعه و رونق اقتصادی و تجاری واقف است و در این زمینه نیز اقداماتی را به عمل آورده است.

در این میان تأکید ویژه‌ای بر توسعه‌ی ارتباطات داشته و تلاش گسترده‌ای را انجام داده است تا راههای مواصلاتی، پست، مخابرات و تلفن استان سلیمانیه را گسترش دهد و از این رهگذر، تجار و بازرگانان بتوانند آسان‌تر با دیگر مراکز تجاری ارتباط برقرار نمایند. علاوه بر این تلاش کرده است تا تأسیسات آب و برق را که از لوازم اصلی زندگی شهری هستند، در سلیمانیه گسترش دهد.

- تأکید بر نقش تحصیل‌کردگان و روشنفکران در پیشبرد امور و مشورت با آنها یکی دیگر از مواردی است که امین زکی بر آن پافشاری کرده است. در بسیاری از موارد وی از روشنفکران، برای اجرای برنامه‌های اصلاحی خویش، یاری می‌طلبد و مشارکت آنان را خواهان می‌شود. برای نمونه از آنان می‌خواهد تا نسبت به ترجمه و تألیف کتاب‌های جدید که مبتنی بر علوم نوین هستند، اقدام نمایند. این امر از یک سو موجب گسترش و استغنای زبان کوردی و از سوی دیگر موجب آشنایی دانش‌آموزان کورد با علوم نوین می‌شود.

وی همچنین با بسیاری از نشریات و محافل روشنفکری زمان خویش همکاری کرده و آنها را مورد حمایت قرار داده است و با دست‌اندرکاران آنها روابط دوستانه‌ای داشته است. در واقع این امر نشان می‌دهد که جایگاه ویژه‌ای را برای روشنفکران در گذار از جامعه‌ی سنتی به مدرن قائل بوده است.

### نقد و بررسی

8

اگر چه امین زکی بگ بر نکته‌های بدیع و روش‌های دقیق برای نوسازی کوردستان و اجرای برنامه‌های اصلاحی خویش همت گماشته است اما همانند بسیاری از اصلاح‌گران اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم از چند نکته غافل بوده است:

۱. موانع فرهنگی رشد و توسعه‌ی اقتصادی را نادیده گرفته یا کمتر به آن توجه داشته است و عمدتاً بر عوامل ساختاری نوسازی تأکید کرده است. در حقیقت برخی از عناصر فرهنگی مردم کوردستان، از موانع توسعه به شمار می‌آیند که در مدل ایشان جایگاهی را به خود اختصاص نداده‌اند.

به عبارت دیگر، نگاه امین زکی به نوسازی، بیشتر ایجابی بوده است و بر ایجاد عناصر مدرن اصرار ورزیده است اما از موانع آن سخنی به میان نیاورده است. ناگفته نماند که در چند مورد از وجود افراط و تفریط به عنوان یکی از عوامل فرهنگی عدم پیشرفت سخن گفته است اما به عوامل دیگری اشاره‌ای نداشته است.



۲. نقش عوامل خارجی یا چهره‌ی استعماری غرب را مورد توجه قرار نداده است. در یک مورد که توصیه‌هایی به فرزندش «نزار» داشته است از استعمار و وابستگی آنها ذکر می‌کند که آورده است که در صورتی که صادقانه و به دور از افراط و تفریط به کار خویش ادامه دهد، می‌تواند شکست را بر آنها تحمیل نماید (سالم، ۲۰۰۵: ۲۶۶).

۳. اگر چه در نگارش و تدوین تاریخ کورد و کوردستان نشان می‌دهد که با مبانی علمی تاریخ-نویسی تا حدی آشنایی دارد اما امین زکی تلاشی جدی را برای گسترش درک مبانی فلسفی و علمی غرب صورت نداده و صرفاً به دستاوردهای آن توجه کرده است. بدیهی است که آنچه به عنوان غرب و تجدد در مقابل ما قرار گرفته است علاوه بر دستاوردهای آن که مشهود و عینی است، جنبه‌ی ذهنی، پنهان و ناپیدایی نیز دارد که وی توجهی بدان نکرده است. این در حالی است که بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که درک تجدد و بسط تجربه‌ی آن از راه دستاوردها امکان‌پذیر نیست و برای دستیابی به این امر قبل از هر چیز باید با مبانی فلسفی تجدد آشنایی حاصل کرد. در این صورت امکان ظهور و خلق تجددی بومی نیز دور از ذهن نیست. در مقابل، فقدان درک مبانی فلسفی تجدد و تأکید صرف بر بُعد ابزاری آن موجب گسترش نوسازی تقلیدی خواهد شد.

### منابع فارسی

۱. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴): جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کیهان، تهران، چاپ پنجم.
۲. بهنام، جمشید (۱۳۷۵): ایرانیان و اندیشه تجدد، نشر و پژوهش فرزندان روز، تهران، چاپ اول.
۳. بهنام، جمشید و جهاننگلو، رامین (۱۳۸۲): تمدن و تجدد (گفتگو)، نشر مرکز، تهران، چاپ اول.
۴. سو، آوین (۱۳۷۸): تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه‌ی حبیبی مظاهری، محمود، انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران، چاپ اول.
۵. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۶): تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، نشر مرکز، تهران، چاپ سوم.
۶. قیصری، علی (۱۳۸۳): روشنفکران ایران در قرن بیستم، ترجمه‌ی دهقانی، محمد، نشر هرمس، تهران، چاپ اول.
۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): تجدد و تشخیص، ترجمه‌ی موفقیان، ناصر، نشر نی، تهران، چاپ اول.

### منابع کوردی

۱. محمهد نهمین زهکی بهگ (۱۳۵۰) کورد و کوردستان، سه‌دیوان، مه‌هاباد، چاپی به‌کهم.
۲. سدیق، سالم (۲۰۰۵): سه‌رجه‌می به‌ر ههمی محمهد نهمین زهکی بهگ، بنکه‌ی ژین، سلیمانی، چاپی به‌کهم.
۳. تهموکولی، خالد (۲۰۰۹) مودیلی ناستیونالیسمی نه مین زهکی به گ، گوڤاری ژین، ژماره ۱، لاپه ره ی ۳۲۳-۳۳۶.